

تخیر در اصناف دیه در عصر حاضر

○ سید سجاد موسوی کرمانشاهی*

چکیده

مشهور فقها فائل به تخیر فرد جانی در انتخاب هریک از اصناف ششگانه دیه هستند. با توجه به اینکه در عصر کنونی، بین مالیت و ارزش اقتصادی اصناف دیه تفاوت بسیار است، حکم به تخیر خصوصاً در مقام قانونگذاری، بی وجه به نظر می رسد؛ چرا که جانی، همیشه در مقام انتخاب، مقدار کمتر را انتخاب می کند و در نتیجه حکم به تخیر لغو خواهد بود. این نوشتار پس از بیان نظریات موجود و بررسی آنها، به این نتیجه رسیده است که هیچ یک از عناوین ذکر شده در روایات به عنوان دیه موضوعیت نداشته و همگی طریقی برای تشخیص ارزش معینی هستند که به قدرت خرید آن کالا تعبیر می شود.

کلید واژگان: اصناف دیه، تغلیظ، مالیت، درهم و دینار، احتکار.

* سطح چهار حوزه علمیه قم.

در اینکه دیه تعیین شده در اقسام سه گانه جنایات (خطای محض، شبه عمد و عمد) یکی از اصناف ششگانه یعنی صد شتر، دویست گاو، هزار گوسفند، دویست دست لباس از حله‌های یمن، هزار دینار مسکوک یا ده هزار درهم مسکوک است، بین فقهای امامیه و عامه از گذشته تا کنون، اختلافی وجود ندارد. تنها مسئله مورد اختلاف بین قدما و متأخران، این است که آیا اصناف ششگانه دیه به گونه‌ای قرار داده شده است که شخص جانی می‌تواند هر کدام را که بخواهد بپردازد یا هر یک از این اقسام تنها بر دارندگان همان نوع واجب می‌شود و هر گاه از پرداخت آن ناتوان باشند، می‌توانند از گونه‌های دیگر بپردازند؟

مشهور متأخران دیدگاه نخست را پذیرفته و ادله فراوانی بر آن اقامه می‌کنند. در کتاب جواهر الکلام آمده است:

چنان که در میان فقیهان ما معروف و بلکه میان متأخران اجماعی است، بلکه صریح عبارت غنیه و ظاهر عبارت سرائر و مفاتیح ادعای اجماع بر این مطلب است. بنابراین، هر یک از گونه‌ها را که بپردازند، صاحب حق نمی‌تواند از پذیرش آن امتناع کند، هر چند پرداخت کننده از دارندگان آن نوع نباشد^۱.

اما برخلاف متأخران، مشهور قدما قائل به نظریه دوم شده‌اند.

صاحب جواهر (ره) می‌فرماید: *مطالعات فرسنگی*

آری، ظاهر عبارت‌های مقتنع، مقنعه، نهاییه، خلاف، مبسوط، مراسم، وسیله و قاضی چنین است که بر مبنای دسته بندی ثبوت هر یک از اصناف، بر اهل آن صنف می‌باشد، بلکه در کشف اللثام این نظریه را به عبارت‌های بسیاری از فقیهان نسبت داده است^۲.

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۲.

۲. همان

شاید ظهور یادشده، از آن روی باشد که در کتابهایشان آمده است :

اگر قاتل از دارندگان شتر باشد، صد شتر از او گرفته می شود و اگر از گوسفندداران است، هزار گوسفند و اگر گاودار باشد، دویست رأس گاو و اگر اهل حُلّه است، دویست حُلّه و اگر اهل زر باشد، هزار دینار و در صورتی که اهل سیم باشد ده هزار درهم از او گرفته می شود.

چنین تعبیری در نوشته های بیشتر پیشینیان، چون مرحوم مفید در مقنعه^۳ و مرحوم شیخ در نهاییه^۴، آمده است، بلکه در کتاب مبسوط به روشنی از تعیین نوع سخن گفته است: «کل من كان من اهل واحد من ذلك، اخذ ذلك منه مع الوجود، فاذا لم يوجد، اخذ أحد الاجناس الآخر»^۵.

طبق نظریه مشهور متأخران، که مبنای قانون مجازات اسلامی نیز قرار گرفته است، (ماده ۲۹۷) جانی در انتخاب هر یک از اصناف ششگانه به عنوان دیه مخیر است. این حکم نسبت به زمان تشریح آن وجیه و بدون اشکال است؛ چرا که ظاهراً در آن زمان ها، مقدار مالیت تمام این اصناف، یکسان یا حداًقل نزدیک به هم بوده است و تفاوت چندانی بین این گونه ها از نظر مالیت وجود نداشته است. اما نسبت به زمان ما این سؤال مطرح می شود که با توجه به تفاوت مالیتی که بین این اصناف وجود دارد، تا جایی که مالیت بعضی از اصناف آن مثل دینار چند برابر اصناف دیگر مثل درهم می باشد، تخییر جانی نسبت به انتخاب یکی از اصناف ششگانه (و در فرض تعدّر، انتخاب قیمت یکی از آنها)، حکمی عقلایی و پذیرفته شده است؟ آیا می توان پذیرفت که شارع مقدّس در مواردی که پرداخت دیه را بر عهده جانی یا

۳. مفید، المقنعة، ص ۷۳۵.

۴. طوسی، النهاية، ص ۷۳۶.

۵. طوسی، المبسوط في فقه الإمامية؛ ج ۷، ص ۱۱۹.

عاقله او واجب می‌داند، جانی را مخیر می‌کند که مثلاً قیمت ده هزار درهم را انتخاب کند که کمتر از سی میلیون است، یا دویست دست لباس معمولی (بنا بر مبنای آقای خوئی (ره))، یا هزار دیناری که بیش از سیصد میلیون است؟

برای جواب دادن به این سؤال‌ها ابتدا باید به این مسئله پاسخ داده شود که آیا شارع، هر یک از اصناف مذکور در دیه را، اصالتاً به عنوان دیه آدمی و بدل از نفس قرار داده است یا اینکه برخی را اصل و بعضی دیگر را بدل و به عنوان قیمت آن در نظر گرفته یا هیچ یک از آنها اصالتی نداشته و فقط به عنوان بدل از مقدار مالیت معینی بیان شده‌اند؟

بررسی این مسئله از آن جهت مهم است که تنها بنا بر فرضیه اول است که حکم به تخییر جانی، مطرح خواهد شد و در عصر کنونی به دلیل اختلافات مالیت اصناف دیه، دچار مشکل خواهیم شد. و گرنه بنا بر این فرض که مثلاً فقط شتر اصالت دارد و اصناف دیگر تنها بیانگر قیمت آن در زمان تشریح هستند، یا اینکه ذکر اصناف مذکور فقط به دلیل اشاره به مالیت و ارزش خاصی می‌باشد و اصالتی برای این اصناف ثابت نیست؛ در این زمان که قیمت این اصناف با یکدیگر تفاوت فاحشی دارند، تخییری بین اصناف ششگانه، برای جانی ثابت نخواهد بود، تا اشکال عقلایی نبودن حکم به تخییر به وجود آید.

اصل در دیات

نظریه اول

مشهور فقهای ما از گذشته تا کنون، نظریه اول را پذیرفته و تمام اصناف ششگانه را مستقلاً بدل از نفس شمرده‌اند. حتی ظاهر عبارت شیخ طوسی (ره) در مبسوط، از وجود اجماع بر این دیدگاه حکایت می‌کند با این تفاوت که ایشان و فقیهان عصر او قائل به اصل بودن این اصناف بر اهل آنها هستند، ولی متأخران به صورت مطلق،

جانی را در انتخاب مخیر می دانند .

شیخ طوسی (ره) در مبسوط می نویسد :

پیشتر گفته ایم که شش قسم نزد ما پذیرفته است که هر کدام ، اصلی است و هیچ یک بدل از دیگری نیست ، بلکه هر کدام به جای جان شخص مقتول است . این اقسام عبارتند از : صد شتر ، هزار دینار ، ده هزار درهم ، دویت رأس گاو ، هزار رأس گوسفند ، دویت حله . هر کس که دارنده یکی از این اقسام باشد ، در صورت یافت شدن ، همان را از او می ستانند و اگر یافت نشود از دیگر اجناس می گیرند ، خواه بهایش همسان قیمت شتر باشد و خواه کمتر یا بیشتر^۶ .

علامه در قواعد می نویسد :

اقرب این است که قبول قیمت بازار (برای ولی دم) واجب نیست و هر کدام از این اصناف اصل هستند و مشروط به نبود دیگری نیستند ، و جانی هر یک را که خواست ، می تواند (به عنوان دیه) بذل کند .^۷

ظاهراً مستند این قول روایات مطلقه است که تمام اصناف مذکور را به عنوان دیه ذکر می کنند ، در حالی که هیچ ترتیبی را بین آنها ذکر نکرده اند ، مثل روایت :

الْعَلَاءُ بْنُ الْفُضَيْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) - فِي حَدِيثٍ - قَالَ: وَالْخَطَاءُ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ أَوْ أَلْفٍ مِنَ الْغَنَمِ أَوْ عَشْرَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ أَوْ أَلْفٍ دِينَارٍ .^۸
و روایت عبد الله (عبید) بن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ، قَالَ: الدِّيَةُ أَلْفُ دِينَارٍ أَوْ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَوْ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَقَالَ: إِذَا ضَرَبْتَ الرَّجُلَ بِحَدِيدَةٍ فَذَلِكَ الْعَمْدُ .^۹

۶ . همان .

۷ . علامه حلی ، قواعد الاحکام ، ج ۳ ، ص ۶۶۶ .

۸ . حر عاملی ، وسائل الشیعة ، ج ۲۹ ، ص ۱۹۸ .

۹ . همان ، ص ۱۹۷ .

صاحب جواهر(ره) این نظریه را به اجماع امامیه نسبت داده و در رابطه با روایات متعارض با این مسئله می گوید:

با توجه به آنچه که از نصوص و فتاوا و معاهد اجماعاتی که بعضی ظاهر و بعضی صریح در تخییر جانی بود، معلوم شد که همه اصناف ششگانه دیه به خودی خود، اصل اند و بعضی از آنها بدل از دیگری نیست. بنابراین، تساوی آنها در قیمت و تراضی طرفین لازم نیست. بعضی از این اصناف مشروط به نبود دیگری نیست و جانی در بذل هر کدام که بخواهد، مخیر است. همانطور که بسیاری از فقها به تمام این مطالب، تصریح کرده اند. بلکه ظاهر عبارات کشف اللثام و مبسوط، وجود اجماع بر این قول است. بله؛ در روایات معاویة بن وهب و شحام و غیر آنها آمده است که «اگر شتر نبود، به جای هر شتر بیست گوسفند نر است».

بلکه در خبر ابی بصیر آمده است که «دیه آدمی، صد شتر است. پس اگر شتر نبود، از گاو نر به قیمت آن و اگر گاو هم نبود، هزار قوچ (پرداخت می شود). منتها، مفاد این روایات، علاوه بر اینکه احتمال تقیه و رجحان روایات دیگر بر آنها می رود، نص در بدل بودن (گاو و گوسفند به جای شتر) نیست؛ زیرا احتمال دارد که مراد از آنها این باشد که اگر شتر انتخاب شد و پرداخت نشد، به جای آن (از باب قیمت اصل انتخاب شده) بیست گوسفند یا ... پرداخت می شود.^{۱۰}

نقد نظریه اول

اشکال اول؛ اینکه اصناف ششگانه در بعضی از روایات، به صورت مطلق قسیم یکدیگر قرار گرفته اند، دلیل بر اصل بودن همه آنها نیست، بلکه ممکن است

۱۰. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۵.

این روایات، فقط بیانگر مصادیق دیه، در مقام ادا باشند. یکی از مهم ترین شواهد بر این مدعی، روایت حکم بن عتیبه از امام باقر(ع) است که می گوید: عرض کردم: در گذشته دیه از شتر و گاو و گوسفند گرفته می شد. امام(ع) فرمود:

أَمَّا كَانَ ذَلِكَ فِي الْبَوَادِي قَبْلَ الْإِسْلَامِ، فَلَمَّا ظَهَرَ الْإِسْلَامُ وَكَثُرَتِ الْوُرُقُ فِي النَّاسِ قَسَمَهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْوُرُقِ؛

این گونه دیه، پیش از اسلام و در مردم بادیه نشین مرسوم بوده است، اما با ظهور اسلام و رواج سکه در میان مردم، امیرالمؤمنین(ع)، انواع دیه را بر مبنای سکه تعیین کرد.

حکم می گوید: عرض کردم: به نظر شما امروزه بهتر است مردم بادیه نشین دیه را از شتر بگیرند یا از سکه؟ امام(ع) فرمود:

الابِلُ الْيَوْمَ مِثْلُ الْوُرُقِ بَلْ هِيَ أَفْضَلُ مِنَ الْوُرُقِ فِي الدِّيَةِ، أَنَّهُمْ كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ فِي دِيَةِ الْخَطَا مِائَةَ مِنَ الْإِبِلِ يَحْسَبُ لِكُلِّ بَعِيرٍ مِائَةَ دِرْهَمٍ، فَذَلِكَ عَشْرَةُ آلَافٍ ...؛^{۱۱}

امروزه در دیه، شتر مثل سکه، بلکه برتر از آن است. بادیه نشینان در دیه قتل خطائی صد شتر می گرفتند که امروزه با احتساب هر شتر صد درهم، ده هزار درهم می شود.

این روایت علاوه بر اینکه در آن، سخنی از دینار و حله نیامده است، ظهور در این مطلب دارد که درهم، به عنوان بدل از دیه و برای تسهیل بر مکلفان بوده است. ثانیاً؛ در مقابل ادله ای که اصناف ششگانه را مطلقاً به عنوان دیه و بدل از نفس ذکر می کنند، صحیحه محمد بن مسلم و زراره قرار دارد که تصریح در نفی اصالت غیر شتر به عنوان دیه دارد:

عن أحدهما(ع) في الدية، قال: هي مئة من الابل وليس فيها دنائير ولا دراهم

۱۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۲۰۲.

ولا غير ذلك ... ١٢

صد شتر است و در ديه، دينار، درهم يا چيز ديگري كافي نيست .

ظاهر اين روايت دال بر اين مطلب است كه درهم و دينار در زمان اميرالمؤمنين(ع)، به سبب رواج يافتن آنها در بازار مسلمين، به عنوان قيمت و بدل از ديه انتخاب شد .

ثالثاً؛ اين نظريه نمي تواند در عصر كنوني كه اختلاف بسياري، از لحاظ ارزش اقتصادي بين اصناف ششگانه وجود دارد، عقلايي و راهگشا باشد؛ زيرا تخيير جاني بين اقل و اكثر در مقام قانون گذاري لغو و بيهوده است؛ چرا كه جاني هميشه، مقدار كمتر را انتخاب مي كند .

رابعاً؛ به موجب اين نظريه بايد بگوئيم تغليظي كه در ديه جنايات شبه عمد و عمد وارد شده است، منحصر به صورتي است كه جاني، فقط شتر را به عنوان ديه انتخاب كند؛ زيرا در روايات شبه عمد و عمد، فقط تغليظ شتر بيان شده است و سخني از تغليظ اصناف ديگر نيست . حال اينكه اين سخن، علاوه بر اينكه با عنوان تغليظ، ناسازگار است و جاني مي تواند به سادگي اصناف ديگر را انتخاب كند با ظاهر روايات شبه عمد نيز ناسازگار است . ظاهر اين روايات اين است كه تغليظ، در هر آنچه ديه شبه عمد بر آن صادق است، جاري مي باشد .

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: قَالَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): فِي الْخَطِّ شِبْهُ الْعَمْدِ: أَنْ يُقْتَلَ بِالسُّوْطِ أَوْ بِالْعَصَا أَوْ
بِالْحِجَرِ أَنَّ دِيَةَ ذَلِكَ تُغْلَظُ وَهِيَ مَائَةٌ مِنَ اللَّيْلِ ... ١٣

اميرالمؤمنين(ع) در خطاي شبه عمد فرمودند: ديه آن تغليظ و بيشتري

مي شود .

١٢ . همان، ص ١٩٦ .

١٣ . همان، ص ١٩٩ .

تأیید نظریه اول

ظاهر روایاتی چون صحیح ابن حجاج^{۱۴} این است که مقرر شدن دیه در اقسام ششگانه، سخن امیرالمؤمنین(ع) بوده است، چنان که در روایات دیه اعضا آمده و به گونه ای است که قانون کلی و قضیه حقیقیه است. بنابراین، مناسب نیست که مقصود از آن را تنها درهم و دینار یا دیگر اجناس آن روزگار که بهایش با صد شتر برابر بود بدانیم. ظاهر این گونه تعابیر، قانونگذاری کلی است که در هر عصر و هر جای بتوان بدان استناد جست و نتیجه چنین چیزی اصلی بودن همه اقسام در عرض یکدیگر است.

پاسخ:

گرچه ظاهر فرمایش امیرالمؤمنین(ع) وضع قانون همگانی به صورت قضیه حقیقیه است، ولی شاید قانون بدین گونه باشد که هر یک از اقسام یاد شده با دارا بودن ویژگی برابری با ارزش مالی صد شتر، دیه و خونبهای انسان است؛ زیرا مناسبست عرفی در مورد ضمانت های مالی این گونه است. بدین سان، معتبر بودن این ویژگی که هنگام صدور این روایات در ذهن ها وجود داشت، سبب می شود که قضیه، خارجی نگردد و به صورت قضیه ای حقیقی و قانونی به شرط دارا بودن همان ویژگی باقی بماند. افزون بر این، احتمال فراوان می دهیم که مقصود از نوشته امیرالمؤمنین(ع) همان نامه ای باشد که آن حضرت به کارگزاران و حکمرانان خویش نگاشته بود. بنابراین، معقول به نظر می رسد که امام(ع) برای سامان بخشیدن به دیه ها، ارزش مالی صد شتر را در اقسامی دیگر به تناسب قیمت روز آن، در نظر گرفته و به کارگزاران خود نیز دستور داده باشد تا شیوه هماهنگی در کیفرها و دیه ها در همه سرزمین های اسلامی و قلمرو حکومتش انجام پذیرد. بنابراین، تردید در وجود اطلاق در روایات اقسام پنجگانه دیگر، به گونه ای که شامل صورت نابرابر بودن آنها با صد شتر نیز باشد، تردیدی شایسته و بجاست.^{۱۵}

۱۴. همان، ص ۱۹۳.

۱۵. هاشمی شاهرودی، «کاوشی درباره گونه های شش گانه دیه»، فصلنامه فقه اهل بیت(ع)، شماره ۳، ص ۵۶ و ۵۷.

بررسی نظریه دوم (اصالت بعضی از اصناف):

ظاهر عبارات ابن برّاج در مهذب، اصالت دینار در دیه و بدل بودن باقی اصناف آن است. وی در این باره می نویسد:

اگر قاتل از دارندگان طلاست، دیه قتل عمد محض، هزار دینار مرغوب است و اگر از نقره داران باشد، ده هزار درهم مرغوب، و اگر از شترداران است، صد شتر شش ساله که قیمت هر یک ده دینار باشد، یا اگر گوسفنددار باشد هزار گوسفند که بهای هر کدام یک دینار است، یا اگر از کسانی است که گاو دارند دویست گاو مسنه که قیمت هر کدام پنج دینار باشد، یا اگر از حله داران باشد دویست حله که قیمت هر کدام پنج دینار است.^{۱۶}

ظاهر عبارت ایشان، با توجه به اینکه تمام اصناف را با دینار می سنجند و طوری حساب می کند که قیمت تمام اصناف با هزار دینار برابر شود، آن است که معیار در همه اقسام، حتی شتر، همان هزار دینار است؛ بنابراین، تنها دینار اصل در دیه است. از بین متأخران نیز تنها کسی که دیدگاه دوم را پذیرفته است، آیه الله هاشمی شاهرودی است با این تفاوت که ایشان، شتر را اصل و دیگر اصناف را بدل از آن می دانند:

در اینکه صد شتر در میان اقسام ششگانه، اصل در دیه است، تردیدی روا نیست؛ به گونه ای که هرگز نمی توان احتمال داد که این قسم، بدل و جایگزین یکی از اقسام دیگر است. این مطلب نتیجه اطلاق دسته ای از روایات است که در آنها تنها صد شتر، دیه به شمار آمده است، مانند صحیحه جمیل که در پایان آن آمده است:

قال جمیل: قال أبو عبد الله (ع): «الدية مئة من الابل»؛

جمیل می گوید: امام صادق (ع) فرمود: دیه عبارت است از صد شتر.

۱۶. ابن برّاج، المهذب، ج ۲، ص ۴۵۷.

صحيحه ابان بن تغلب و ظاهر صحيحه حکم بن عتيبه نیز همین گونه است .
در صحيحه محمد بن مسلم و زراره و ديگران از امام باقر(ع) يا امام
صادق(ع) آمده است :

عن أحدهما (ع) في الدية، قال: «هي مئة من الابل وليس فيها دنانير و
لادراهم ولا غير ذلك ...»؛ ديه، صد شتر است و در ديه، دينار، درهم يا
چيز ديگري کافي نيست .

بنابراين، اگر تنها به ظهور اين روايات بنگريم، به اين نتيجه مي رسيم که
چيزی جز صد شتر در ديه، به هيچ روی پذيرفته نيست و بايد آن را با
ويژگی ها و شمار و ارزش مالی خودش پرداخت . اما با اين همه به دليل
رواياتی که از اين دسته روايات خاص ترند و پرداخت هر کدام از اقسام
ششگانه را کافي می دانند، ناگزير بايد از ظهور روايات در انحصار دست
کشيد . با وجود اين، رواياتی که هر شش قسم را، ديه می شمارند، اطلاق
و ظهور روايات ديگر را تنها به اندازه دلالت خویش مقيد می سازد و نه
بيشتر، چنان که شيوه صحيح در تقيد و جمع بين ادله همین است . بنابراين
بايد گفت : نهايت چيزی که از اين روايات تقيد کننده می توان دريافت،
دست برداشتن از ويژگی صد شتر در برابر اقسام ديگر است و نه دست
کشيدن از مقدار ارزش آن .^{۱۷}

سخن ايشان برای اثبات اصالت شتر در ديه، دو مقدمه دارد :

۱ . به دليل روايات مطلقى که شتر را تنها بدل از نفس معرفى می کنند(الدية
مئة من الابل)، شتر يك اصل يقينى در بين اصناف ديه است و نمی توان آن را بدل
از اقسام ديگر فرض کرد .

۱۷ . هاشمی شاهرودی، «کاوشی درباره گونه های شش گانه ديه»، فصلنامه فقه اهل بيت(ع)،
شماره ۳، ص ۵۱ و ۵۲ .

۲. برای جمع بین روایات مطلقه که شتر را تنها بدل نفس معرفی می کنند و روایاتی که تمام یا بعضی از اصناف ششگانه را به عنوان دیه بیان می کنند، تنها باید از خصوصیت شتر دست برداشت، اما قیمت صد شتر باید در جای خود ثابت بماند. بنابراین، هم باید مساوات در مالیت و قیمت اصناف دیگر با صد شتر را در دیه معتبر دانست و هم شماره‌های ذکر شده در روایات مذکور را؛ به این معنا که اگر مثلاً به جای صد شتر، دینار انتخاب شد، حتماً باید هزار دیناری باشد که معادل قیمت صد شتر گردد و اگر نهصد دینار از نظر قیمت معادل صد شتر باشد، کفایت نمی کند؛ چنان که اگر قیمت هزار دینار کمتر از صد شتر باشد، هزار دینار نیز کفایت نمی کند.

نقد نظریه دوم

نظریه آیت الله شاهرودی با دو اشکال عمده مواجه است: اولاً اینکه در مقابل اطلاقاتی که شتر را به عنوان دیه معرفی می کنند، اطلاقات دیگری مثل صحیحہ حلبی و روایات باب دیه اعضا و دیه اهل ذمه، وجود دارد که فقط درهم و دینار را به عنوان بدل نفس بیان می کنند، که نتیجه جمع عرفی بین آنها، تخیر است نه اصالت شتر.

الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: الدِّيَةُ عَشْرَةُ أَلْفِ دِرْهَمٍ أَوْ أَلْفُ دِينَارٍ...^{۱۸}
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: فَالدِّيَةُ فِي النَّفْسِ أَلْفُ دِينَارٍ وَفِي الْأَنْفِ أَلْفُ دِينَارٍ...^{۱۹}
 ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: دِيَةُ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ وَالْمَجُوسِيِّ
 ثَمَانِمِائَةَ دِرْهَمٍ...^{۲۰}

ایشان این اشکال را چنین جواب می دهد:

۱۸. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۹۵

۱۹. همان، ص ۲۸۴.

۲۰. همان، ص ۲۱۷.

چون متعدد بودن اجناس پرداختی در دیه، دست کم از جهت پرداختن شتر، به گونه ای در ذهن دینداران جای گرفته بود که مانند قرینه متصل لَبی غیر لفظی گردید، از پیدایش اطلاق برای دلیل درهم و دینار جلوگیری می کند و بدینسان، شامل جایی که ارزش مالی آنها برابر نباشد، نخواهد بود^{۲۱}.

توضیح بیشتر اینکه، چون تساوی مالیت بین اصناف دیه، در فرض تعدد آنها، امری واضح و ارتکازی است، اطلاق برای روایات مذکور در صورت مساوی نبودن قیمت درهم و دینار با صد شتر، منعقد نمی شود. همان طور که به دلیل این روایات، نیز ادله ای که فقط شتر را به عنوان دیه بیان می کنند مطلق نخواهد بود و باید آنها را مقید به صورت تساوی قیمت با اصناف دیگر بدانیم.

تنها چیزی که از جواب ایشان استفاده می شود این است که برای رفع تعارض بین این دو دسته از روایات، باید اطلاق آنها را مقید به فرض تساوی قیمت بین اصناف دیه کرد؛ یعنی مثلاً در صورتی هزار دینار کافی خواهد بود که معادل صد شتر باشد و در مقابل، در صورتی صد شتر کافی خواهد بود که معادل هزار دینار باشد. اما اصل بودن شتر با این سخن ثابت نمی شود تا در صورت مساوی نبودن قیمت، فقط آن را معیار قرار دهیم.

نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت نیز از دو نظریه مذکور تجاوز نکرده و مشهور آنها قول اول و بعضی دیدگاه دوم را برگزیده اند. شیخ طوسی (ره) این مسئله را در خلاف از قول اهل سنت چنین بیان می کند:

دیه شش اصل است: بر شترداران، صد شتر و بر دارندگان طلا هزار دینار و بر نقره داران، ده هزار درهم و بر گاوداران، دوپست گاو نر و بر کسانی که

۲۱. هاشمی شاهرودی، کاوشی درباره گونه های شش گانه دیه، ص ۵۵.

حله دارند، دویست حله و دارندگان گوسفند، هزار گوسفند است. ابو یوسف و محمد و احمد بن حنبل همین نظر را دارند، جز اینکه آنها گوسفند را دو هزار عدد گفته اند.

ابوحنیفه گفته است: دیه سه اصل دارد: صد شتر یا هزار دینار یا ده هزار درهم و (اختیار یکی از آنها) مشروط به نبودن دیگری نیست، بلکه جانی در پرداخت هر یک از این سه مورد (به عنوان دیه)، مختار است.

شافعی در این مسئله دو نظریه دارد: در فتوای قدیم گفته است: «اصل در دیه صد شتر است که اگر وجود نداشت، به دو اصل دیگر منتقل می شود. هزار دینار یا دوازده هزار درهم که هر یک از آنها اصل است. پس دیه سه اصل است: صد شتر یا هزار دینار یا دوازده هزار درهم. ولی شتر مزیتی دارد و تا زمانی که موجود باشد، به غیر آن عدول نمی شود. ابوبکر و عمر و انس بن مالک هم، همین نظر را دارند». شافعی در فتوای جدیدش گفته است: «اگر شتر نبود، به قیمت آن هنگام قبض، یعنی هزار دینار یا دوازده هزار درهم، انتقال می یابد. پس دیه، شتر است و قیمت (هزار دینار یا دوازده هزار درهم) بدل از دیه است، نه بدل از نفس».^{۲۲}

مؤید این فتوای شافعی، روایتی است که او در کتاب الامّ نقل می کند:

پیامبر (ص) شتر را به چهار صد دینار و یا معادل آن از نقره بر اهل روستاها تقویم می فرمود و بر ثمن شتر تقسیم می کرد و چنانچه قیمت شتر بالا می رفت، درهم و دینار را بالا می برد و اگر پایین می آمد قیمت آنها را پایین می آورد.^{۲۳}

۲۲. طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۲۲۶.

۲۳. کتاب الامّ، ج ۵، ص ۱۱۴.

بررسی دیدگاه سوم

آنچه که در این فرضیه درصدد بیان آن هستیم، این است که هیچ یک از عناوین ذکر شده به عنوان دیه، موضوعیت نداشته و فقط طریقی برای رسیدن به ارزش اقتصادی دیه در زمان صدور روایات این باب هستند. به عبارت دیگر، حتی بنا بر پذیرش اینکه فقط شتر اصل در دیه است، نام بردن از شتر به عنوان دیه نفس، در روایاتی مانند روایت جمیل برای بیان این نکته نیست که تمام معیار و ملاک تشخیص دیه، در تمام زمان‌ها و با تمام تغییرات قیمت، شتر است. بلکه ذکر شتر و اصناف دیگر، تنها طریقی برای بیان ارزش اقتصادی و مقدار معینی از مالیت بوده است که باید در مقابل نفس قرار گیرد که از آن به قدرت خرید این کالاها تعبیر می‌کنند. بنابراین، حتی اگر زمانی را فرض کنیم که شتر در آن زمان، ارزش بسیار کمی پیدا کند، باز هم ارزش واقعی دیه بر جای خود استوار است و تغییری نخواهد کرد.

نکته: اگر چه اصل در عناوین وارد شده در احکام؛ موضوعیت داشتن آنهاست، اما با بررسی تاریخچه دیه، به این نتیجه خواهیم رسید که ذکر این اصناف، فقط برای بیان مقدار قدرت خرید و مالیت اصناف مذکور در عصر صدور روایات است.

تاریخچه دیه

تاریخچه دیه
 هنگامی که تاریخ زندگی مردم عربستان را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم اساس و پایه دارایی آنها را اموالی از قبیل شتر، گاو، گوسفند، و سایر حیوانات تشکیل می‌داده و مسائل اقتصادی آنان بر همان اموال پی‌ریزی گردیده و بر این پایه و اساس بوده که خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛^{۲۴}

و اسبان و استران و خران را برای شما آفریده است که سوارشان شوید و نیز زینت شما باشند و خدا چیزهایی آفریده که شما نمی دانید .

و یا آنکه می فرماید :

و تَحْمِلُ اَثْقَالَكُمْ اِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْبِ اِلَّا بِشِقِّ الْاَنْفُسِ اِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ ۲۵

بارهایتان را به شهرهایی که جز به رنج تن بدانها نتوانید رسید ، حمل می کنند ؛ زیرا پروردگارتان رءوف و مهربان است .

و یا آنکه می فرماید :

و الْاَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ۲۶

چهارپایان را برایتان بیافرید ، در حالی که در آنها وسیله پوشش و منافع دیگری است و از آنها می خورید .

بخش مهمی از زکات در دین مبین اسلام به گاو و گوسفند و شتر اختصاص یافته و برای هر کدام نصاب های خاصی در نظر گرفته شده است ، همچنین در درهم و دینار نیز زکات قرار داده شده است . در پرداخت دیه جنایت های عمدی ، شبه عمد و خطای محض نیز از آنها استفاده شده است ؛ زیرا بیشتر اموال و دارایی های مهم مردم در آن سرزمین را همین اصناف تشکیل می داده اند . حتی اشیایی مثل درهم و دینار نیز قبل از اسلام و در اوایل آن ، منحصر به مسکوکات رومی بوده که رواج چندانی بین مردم عربستان نداشته است ۲۷ . البته طبق بعضی از روایات ، درهم در زمان امیرالمؤمنین (ع) رواج بسیاری یافت و به عنوان یک قدرت

۲۵ . نحل ، آیه ۷ .

۲۶ . نحل ، آیه ۵ .

۲۷ . طبری و ابن اثیر و دمیری ، تاریخ ضرب دینار را در سال ۷۶ هجری نوشته اند . گمان می رود عبد الملک بن مروان در سال ۷۴ پس از برانداختن عبد الله بن زبیر به مسئله مسکوکات توجه کرده ولی تهیه وسائل ضرب سکه به طراز اسلامی تا سال ۷۶ به طول انجامیده است .

خرید در جامعه شناخته شد که حتی قیمت شترها را با آن می‌سنجیدند. حکم بن عتیبه می‌گوید به امام باقر(ع) عرض کردم: در گذشته دیه از شتر و گاو و گوسفند گرفته می‌شد. امام(ع) فرمود:

إِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي الْبُؤَادِي قَبْلَ الْإِسْلَامِ، فَلَمَّا ظَهَرَ الْإِسْلَامُ وَكَثُرَتِ الْوُرُقُ فِي النَّاسِ قَسَمَهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْوُرُقِ؛

این گونه دیه، پیش از اسلام و در مردم بادیه نشین مرسوم بوده است، اما با ظهور اسلام و رواج سکه در میان مردم، امیرالمؤمنین(ع)، انواع دیه را بر مبنای سکه تعیین کرد.

بنابراین قبل از رواج معاملات با سکه، به دلیل اینکه تنها شتر به عنوان یک ارزش اقتصادی مهم بین مردم جزیره العرب شناخته شده بود اسلام به تبع سنتی که عبدالمطلب پایه گذاری کرد، شتر را مبنای دیه قرار داد. نویسنده کتاب تاریخ عرب قبل از اسلام می‌نویسد:

در زمان جاهلیت خون بهاء آدمی، از شتر قرار داده شده بود؛ چرا که غیر از شتر مالی شناخته نشده بود و مبنای ثروت اشخاص، فقط شتر بود^{۲۸}.

ابن اثیر نیز در نهاییه در این باره می‌نویسد:

مال در اصل طلا و نقره بوده است. سپس بر هر چیزی از اعیان که به ملکیت می‌رسیده و قابل جمع آوری بوده، اطلاق شده است. بیشترین چیزی که عرب به آن مال می‌گفته، شتر بوده است؛ چون بیشتر اموال عرب در آن زمان، شتر بوده است.^{۲۹}

این تاریخچه و شرایط خاص مکان و زمان تشریح و ارتکاز عرف نسبت به مساوات بین مالیت اصناف مذکور، می‌تواند به عنوان قرینه احتمالی مانع انعقاد

۲۸. تاریخ عرب قبل از اسلام، ج ۷، ص ۲۳۹.

۲۹. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۴، ص ۳۷۳.

ظهور برای روایاتی که تمام اصناف را به عنوان دیه معرفی می کنند، باشد و روایات را نسبت به عصر حاضر مجمل کند؛ زیرا در عصر حاضر، هم تساوی بین مالیت اصناف ششگانه از بین رفته است و هم ارزش شتر بسیار کاهش یافته و دیگر ملاکی برای ثروت به شمار نمی رود.

در نتیجه باید گفت: تا زمانی که شتر به عنوان یک سرمایه ارزشمند - مخصوصاً برای باربری و سواری - مورد استفاده بود، می توانست معیار خوبی برای تعیین مقدار دیه باشد. اما در این زمان که استفاده از آن منحصر به موارد خاصی مثل خوردن، شده و بهای آن به شدت کاهش یافته است و راهی نیز برای به دست آوردن ارزش و قدرت خرید واقعی آن در زمان های گذشته وجود ندارد، نمی توان همچنان آن را مبنای ارزش دیه دانست و باید راه دیگری را برای محاسبه دیه مطرح کرد. آن راه به نظر نگارنده، یکی از این دو طریق است که نیاز به بررسی مفصل دارد:

۱. محاسبه صنفی که نسبت عرضه و تقاضای جامعه کنونی به آن، در مقایسه با جامعه صدر اسلام تغییر نکرده است و احتمالاً قدرت خرید آن نیز ثابت مانده است، مانند گوسفند و گاو.

۲. تعیین دیه به اختیار حاکم شرع باشد، چه اینکه از باب ولایت مطلقه، او را ولی امور مسلمین بدانیم یا از باب امور حسبه، تعیین مقدار دیه به دست ایشان باشد؛ چرا که راهی برای رسیدن به مقدار دیه واقعی و رعایت حق کامل طرفین در جنایات وجود ندارد.

مؤیداتی بر فرضیه سوم

۱. همان گونه که زمان و مکان در دگرگون شدن ملاکها مؤثرند، در سرایت حکم به موضوعی که در عصر تشریح وجود نداشته نیز اثر دارند و این تسری به سبب ملاکی است که به وجود آن در موضوع جدید، علم داریم. از جمله مواردی

که می تواند، تنظیم خوبی برای بحث ما (موضوعیت نداشتن عناوین مذکور در دیه) باشد، مسئله احتکار طعام و سبق و رمایه است.

الف) احتکار در روایات: در روایات معتبری که از جمله آنها موثقه سکونی از امام صادق (ع) می باشد، احتکار طعام به شش مورد منحصر شده است که عبارتند از: گندم، جو، خرما، روغن زیتون، روغن حیوانی و کشمش.

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: الْحُكْرَةُ فِي سِتَّةِ أَشْيَاءَ: فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالْتَّمْرِ وَالزَّيْتِ وَالسَّمْنِ وَالزَّيْبِ.^{۳۰}

اما برخی از متأخران، مانند صاحب جواهر، از موضوعیت نداشتن عناوین مذکور در روایات احتکار، دست برداشته و حکم آن را به موارد دیگری نیز تسری داده اند. ایشان در این باره چنین می گوید:

ذخیره کردن هر چیزی که مورد نیاز انسان هاست و مضطر به آن می باشند؛ از قبیل خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و غیر اینها، مانند حکم احتکار است. حکم حرمت به زمان خاص یا جنس خاص و نوع خاصی از عقد، محدود نیست...

بلکه شاید اگر کسی جنسی را که فراوان است و مردم به آن احتیاج ندارند، احتکار کند تا در اثر گران شدن، مردم به آن محتاج شوند، حرام باشد. بلکه گاهی گفته می شود که چنین کاری با صرف قصد گران شدن و میل به آن نیز حرام است؛ هر چند قصد اضرار هم نداشته باشد. پس احتمال دارد برخی از موارد مذکور در ردیف احتکار حرام جای گیرد.^{۳۱}

سید ابوالحسن اصفهانی نیز این دیدگاه را پذیرفته و چنین می گوید:

در صورتی که مسلمانان به طعامی نیاز داشته باشند و کسی نباشد که این نیاز

۳۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۶.

۳۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۱.

را تأمین کند، احتکار آن طعام، یعنی جمع آوری و ذخیره آن به نیت گران شدن، حرام است احتکار با ذخیره کردن جو، گندم، خرما، کشمش و روغن محقق می شود. همچنین بنا بر احتیاط - اگر نگوییم اقوی - با ذخیره کردن روغن زیتون و نمک هم احتکار تحقق می یابد، بلکه شاید بتوان گفت احتکار با ذخیره کردن هر طعامی که مورد نیاز عموم مردم یک شهر نسبت به شهرهای دیگر باشد، از قبیل برنج و ذرت تحقق پیدا می کند^{۳۲}.

حتی از کلمات شیخ طوسی نیز می توان این رویه را استظهار کرد؛ زیرا ایشان نمک را یکی از موارد احتکار می دانند، حال اینکه هیچ نصی بر آن وجود ندارد.^{۳۳} ظاهر این عبارات این است که انحصار موارد احتکار در روایات آن به این سبب است که در زمان صدور آنها، فقط این موارد از ضروریات زندگی مردم محسوب می شده است و عناوین ذکر شده خصوصیت نداشته اند. همین سخن در مسئله اصناف دیه نیز قابل طرح است؛ به این بیان که چون در زمان تشریح دیه نیز، بیشتر دارایی مردم جزیره العرب را شتر و چارپایان تشکیل می داده است و پول و مانند آن رواج نداشته است شارع، تنها از آنها به عنوان دیه نام برده است.

ب) سبق و رمایه: با اینکه در روایات معتبری مثل صحیحہ حفص و عبدالله بن سنان از امام صادق(ع)^{۳۴}، جواز مسابقه، منحصر در تیراندازی و شمشیر بازی شده است و مسابقه در غیر موارد منصوص خلاف اصل و اجماع است، اما فقهای متأخر آن را در مطلق و سایل جنگی امروز جائز می دانند.^{۳۵} ظاهراً تنها وجه این

۳۲. اصفهانی، وسیلة النجاة، ج ۲، ص ۸؛ (کتاب المکاسب/ مسئله ۲۳، احتکار)

۳۳. طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۲، ص ۱۹۵.

۳۴. عَبْدَ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصَلٍ يَعْنِي النَّضَالَ: وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۲۵۳.

۳۵. وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۳۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۷۳؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۳۷.

مسئله نیز، موضوعیت نداشتن عناوین مذکور در روایات سبق و رمایه است. شبیه این مسئله، عناوین ذکر شده در مسئله عیوب موجب فسخ نکاح است که به سبب اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

۲. از آنجا که ظاهر روایات، تنويع و ارفاق و تسهیل بر مکلفان است، می‌توان فهمید که چون اموال و دارایی‌های مردم عربستان در زمان تشریح دیه بیش از اصناف مذکور نبوده است، شارع به ذکر همان‌ها اکتفا کرده و گرنه شتر یا درهم و دینار هیچ موضوعیتی نداشته است. اینک دو روایت را از باب نمونه ذکر می‌کنیم:

رُوِينَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّهُمْ قَالُوا: تُؤْخَذُ الدِّيَةُ مِنْ كُلِّ قَوْمٍ مِمَّا يَمْلِكُونَ مِنَ أَهْلِ الْإِبِلِ وَالْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْبَقَرِ وَالْمَنْعَمِ وَالْمَنْعَمِ وَمِنْ أَهْلِ الْحُلَلِ وَالْحُلَلِ وَمِنْ أَهْلِ الذَّهَبِ وَالذَّهَبِ وَمِنْ أَهْلِ الْوَرِقِ وَالْوَرِقِ وَلَا يُكَلَّفُ أَحَدٌ مَا لَيْسَ عِنْدَهُ؛^{۳۶}

از هر قومی، هر آنچه مالک هستند، به عنوان دیه گرفته می‌شود. از شترداران، صد شتر و از گاوداران، دویست گاو نر و از دارندگان گوسفند، هزار گوسفند و از کسانی که حله دارند، دویست حله و از نقره داران، ده هزار درهم و از دارندگان طلا هزار دینار و هیچ کس مکلف به پرداخت آنچه که ندارد، نیست.

این روایت بیانگر این مطلب است که جانی می‌تواند دیه را از هر چیزی که مالک است، پردازد و نیازی به رضایت ولی دم در انتقال به قیمت یکی از اصناف مذکور نیست.

عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي لَيْلَى يَقُولُ: كَانَتْ الدِّيَةُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ مِائَةَ مِنَ الْإِبِلِ - فَأَقْرَاهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) - ثُمَّ إِنَّهُ فَرَضَ عَلَى أَهْلِ الْبَقَرِ مِائَتِي بَقْرَةً - وَفَرَضَ عَلَى أَهْلِ الشَّاةِ أَلْفَ شَاةٍ ثَنِيَّةٍ - وَعَلَى أَهْلِ الذَّهَبِ أَلْفَ دِينَارٍ -

۳۶. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۸، ص ۲۹۵.

وَعَلَىٰ أَهْلِ الْوَرَقِ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ - وَعَلَىٰ أَهْلِ الْيَمَنِ الْحُلَلِ مِائَتِي حَلَّةٍ؛
 عبدالرحمن بن حجاج گوید: از ابن ابی لیلی شنیدم که گفت: دیه در عصر
 جاهلیت، صد شتر بود که پیامبر (ص) پس از اسلام به آن حکم فرمودند.
 سپس ایشان بر گاوداران، دویست گاو و بر گوسفندداران، هزار گوسفند و
 بر دارندگان طلا، هزار دینار و بر دارندگان نقره، ده هزار درهم و بر کسانی
 که حله یمن دارند، دویست حله را واجب فرمود.

عبدالرحمن بن حجاج می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد روایت
 ابن ابی لیلی پرسیدم. امام (ع) فرمودند:

كَانَ عَلَىٰ (ع) يَقُولُ: الدِّيَّةُ أَلْفُ دِينَارٍ (وَقِيَمَةُ الدِّينَارِ عَشْرَةَ دِرْهَمٍ وَعَشْرَةَ
 آلَافٍ لِأَهْلِ الْأَمْصَارِ) وَعَلَىٰ أَهْلِ الْبَوَادِي مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَلِأَهْلِ السُّوَادِ مِائَتَا
 بَقْرَةٍ أَوْ أَلْفَ شَاةٍ؛^{۳۷}

امیرالمؤمنین (ع) می فرمودند: دیه هزار دینار است و قیمت هر دینار، ده
 درهم است و در نتیجه، برای شهرنشینان، ده هزار درهم و بر بادیه نشینان،
 صد شتر و بر چادر نشینان، دویست گاو یا هزار گوسفند است.

صاحب جواهر، صحیح ابن عتیبه را مؤید این مطلب می داند که ملاک دیه در
 هر سرزمینی، همان چیزی است که در آنجا غالباً وجود دارد و اصناف مذکور،
 موضوعیت ندارند.^{۳۸}

۳. برخی از شواهد تاریخی نشان می دهد که اگرچه پیامبر، شتر را به عنوان
 دیه بیان فرمودند، اما وقتی بعضی از خلفا مانند خلیفه دوم و امیرالمؤمنین (ع)، آن
 را تغییر داده و به درهم و دینار تبدیل کردند، با اعتراضی از صحابه روبه رو نشدند.
 این مطلب نشانگر آن است که تعیین شتر به عنوان دیه در کلام پیامبر (ص)،

۳۷. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۹۳.

۳۸. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۸.

موضوعیت نداشته و فقط به عنوان یک قدرت خرید مطرح بوده است .

امام بغوی از عمرو بن شعیب از پدرش ، از جدش نقل می کند که گفت :

قیمت دیه در زمان رسول خدا(ص) هشتصد دینار و یا هشت هزار درهم بوده و دیه اهل کتاب در آن روز نصف دیه مسلمانان بود؛ تا دوران خلافت عمر که قیمت شتر بالا رفت و هزار دینار بر صاحبان طلا و دوازده هزار درهم بر صاحبان نقره و دویست گاو بر گاوداران و دو هزار گوسفند بر گوسفند داران قرار دارد^{۳۹}.

بنابراین، یکی از ثمرات اساسی این نظریه این است که جانی می تواند حتی بدون رضایت اولیاء دم، دیه را از وجه رایج بازار بپردازد.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، به این نتیجه می رسیم که هیچ یک از عناوین ششگانه دیه، نمی تواند اصل و مبنای دیه در زمان کنونی قرار گیرد؛ زیرا مقدار واقعی دیه که در زمان صدور روایات به این اصناف اشاره شده است به سبب اختلاف فاحش بین ارزش اقتصادی آنها، قابل تشخیص نیست و در نتیجه حکم به تخییر جانی یا ولی دم نیز در انتخاب هریک از آنها، غیر عقلایی و قانونی بی اساس است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم .

- ۱ . ابن اثیر، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، پنج جلدی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ه. ق .
 - ۲ . ابن برآج، قاضی عبد العزیز، المهذب، دو جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه. ق .
 - ۳ . ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، دو جلدی، قم، مؤسسه
- ۳۹ . امام بغوی، شرح السنة، ج ۱۰، ص ۱۹؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۷۸ .

- آل البيت(ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵هـ.ق.
- ۴ . بغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود بن الفراء، مصابیح السنة، بیروت، دارالمعرفه، اول، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱۹۸۷م.
- ۵ . —، شرح السنة، بیروت، المكتب الاسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳هـ.ق.
- ۶ . تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحین، دو جلدی، قم، مجمع الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه)، چاپ اول، ۱۴۲۶هـ.ق.
- ۷ . حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، ۲۹ جلدی، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹هـ.ق.
- ۸ . طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الخلاف، شش جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.ق.
- ۹ . —، المبسوط في فقه الإمامية، هشت جلدی، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷هـ.ق.
- ۱۰ . —، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، یک جلدی، بیروت، دار الكتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۰هـ.ق.
- ۱۱ . علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الاحکام في معرفة الحلال والحرام، سه جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
- ۱۲ . محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلدی، بیروت، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ.ق.
- ۱۳ . مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، یک جلدی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
- ۱۴ . هاشمی شاهرودی، سید محمود، «کاوشی درباره گونه های شش گانه ديه»، فصلنامه فقه اهل بیت(ع)، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۴.